

تدبر در حدیث و سیره معصومین (علیهم السلام) - استاد ضرابی

بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

بیست و پنجم محرم ۱۴۴۳ مطابق با ۱۴۰۰/۶/۱۲

شهادت جانگداز سید الساجدین (علیه السلام)

را به پیشگاه پیامبر اسلام و اهل بیت طاهرینش بویژه ولی عصر و حجت حق امام زمان (سلام الله علیهم اجمعین) و همه دوستداران و ارادتمندان به مکتب رسالت و ولایت تعزیت و تسلیت عرض می‌کنم و معرفت و پیروی راه این امام همام را از خدای مَنان مسئلت دارم.

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا زَيْنَ الْعَابِدِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا زَيْنَ الْمُتَهَجِّدِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا إِمَامَ الْمُتَّقِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَلِيَّ الْمُسْلِمِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا قُرَّةَ عَيْنِ النَّاطِرِينَ الْعَارِفِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَصِيَّ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَازِنَ وَصَايَا الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ضَوْءَ الْمُسْتَوْحِشِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا نَوْرَ الْمُجْتَهِدِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا سِرَاجَ الْمُرْتَاضِينَ

با تو هر لحظه‌ی من بوی خدا می‌گیرد عطر اخلاص و مناجات و دعا می‌گیرد

بچشان بر دل ما طعم عبودیت را سجده همام به نگاه تو بها می‌گیرد

قال مولانا السَّجَّاد (عليه الصلاة والسلام): «ألا وإنَّ أَبْغَضَ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ مَنْ يَقْتَدِي بِسُنَّةِ إِمَامٍ وَ لَا يَقْتَدِي بِأَعْمَالِهِ - هشدار که منفورترین مردم نزد خداوند کسی است که سیره امامی را برگزیند ولی از کارهای او پیروی نکند» (الكافي، ج ۸، ص ۲۳۴)

موضوع تدبر :

دلایل عدم پیروی از امامانی که آنها را برحق می‌دانیم چیست؟ و چه روش‌های مؤثری می‌تواند ما را از خطر واقع شدن در جرگه مبغوض‌ترین افراد یعنی همانها که سیره امام بر حق را برگزیده اند ولی از آن پیروی نمی‌کنند، نجات بخشد؟

پاسخ اجمالی:

این است که: بعد از طلب توفیق از خداوند تعالی و توسل به ذیل عنایات اولیاء او (علیهم السلام)، تحصیل مداوم معرفت و تمرین و ترک نکردن صحنه جهاد و مبارزه با نفس و شیطان دو عامل تعیین کننده در وصول به نتیجه است. در حدیثی از امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌خوانیم: «كَيْفَ يَسْتَطِيعُ الْإِخْلَاصَ مَنْ يَغْلِبُهُ الْهَوَى - چگونه توانایی بر اخلاص دارد کسی که هوای نفس بر او غالب است؟» (عیون الحکم و المواعظ، علی بن محمد لیثی واسطی، ص ۳۸۳) و نیز می‌فرماید: «قَلَّ الْأَمَالُ تَخْلُصَ لَكَ الْأَعْمَالُ - آرزوها را کم کن تا اعمال تو خالص شود.» (غرر الحکم، ص ۸۲۱، ح ۲۹۰۶)

در سخنان امام سجاد علیه السلام می‌خوانیم: «چهار چیز است که هر کس آنها را داشته باشد، اسلامش کامل می‌گردد، گناهانش ریخته می‌شود و پروردگار خویش را دیدار می‌کند، در حالی که

از او خشنود است: ۱- برای خدا به تعهد خود در قبال مردم عمل کند، ۲- با مردم راستگو باشد، ۳- از ارتکاب هر آنچه نزد خدا و مردم زشت است شرم کند، ۴- با خانواده خود خوش اخلاق باشد.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۷۵: ۹۳: ح ۶)

از خدا پرستی تا خود پرستی در نگاه امام سجاده علیه السلام

حضرت زین العابدین علیه السلام در مناجات بیست و هفتم صحیفه سجاده، شدیداً نگرانی خود را از انحراف و خودپرستی تلاشگران عرصه جهاد و مبارزه ابراز داشته و از حضرت پروردگار عاشقانه درخواست می‌کند که: «اللَّهُمَّ وَأَيَّمَا غَايَ غَزَاهُمْ مِنْ أَهْلِ مِلَّتِكَ أَوْ مُجَاهِدٍ جَاهَدَهُمْ مِنْ أَتْبَاعِ سُنَّتِكَ لِيَكُونَ دِينُكَ الْأَعْلَى وَحِزْبُكَ الْأَقْوَى وَحَظُّكَ الْأَوْفَى... وَاعْزِلْ عَنْهُ الرِّيَاءَ وَخَلِّصْهُ مِنَ السُّمْعَةِ وَاجْعَلْ فِكْرَهُ وَذِكْرَهُ وَظَعْنَهُ وَإِقَامَتَهُ فَيْكَ وَ لَكَ - خدایا! هر رزمنده‌ای از معتقدان به دین تو که به رزم برخاست، (جهادگران فرهنگی و سیاسی، نظامی و...) یا هر مجاهدی از پیروان احکام تو که به جهاد با دشمنان پرداخت تا دین تو برتر و حزب تو نیرومندتر و دستورات تو گسترده‌تر شود...، ریا و خودنمایی و خودپرستی را از او دور کن و او را از شهرت‌طلبی برهان، و فکر و ذکر و سفر و حضر او را پاک و خالص برای خودت قرار ده!»

تشخیص خودپرستی از خداپرستی امری حساس و ظریف است، که تشخیص آن ساده نیست، امام زین العابدین (علیه السلام) در دعای دیگری نگرانی خود را از نابود شدن سابقه اعمال نیک در اثر خودپرستی و آلودگی‌های بعدی این‌گونه اظهار می‌دارد: «وَلَا تُحِبُّ حَسَنَاتِي بِمَا يَشُوْبُهَا مِنْ مَعْصِيَتِكَ - [پروردگار!] کارهای نیک مرا به سبب معصیت و نافرمانی که [بعداً] با آنها آمیخته می‌شود، تباہ مساز!» (صحیفه سجاده، دعای ۴۷، فراز ۱۳۱)

رسم عاشق نیست با یک دل دو دلبر داشتن یا ز جانان یا زجان باید که دل برداشتن
یا اسیر بند جانان باش یا در بند جان زشت باشد نو عروسی را دو شوهر داشتن

مراقبت‌ها در ترک خودپرستی و اخلاص در عمل

امام صادق علیه السلام هم در معنای خلوص نیت و دوری از ریا می‌فرماید: «الْعَمَلُ الْخَالِصُ الَّذِي لَا تُرِيدُ أَنْ يَحْمَدَكَ عَلَيْهِ أَحَدٌ إِلَّا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ - عمل خالص کاری را می‌گویند که اراده نکنی جز خدا کسی برای آن از تو تقدیر و ستایش کند.» (بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۳۰) حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «تَصْفِيَةُ الْعَمَلِ أَشَدُّ مِنْ الْعَمَلِ - خالص کردن عمل از خود عمل سخت‌تر است.» (بحار/ ج ۷۴، ص ۲۹۰) امام صادق (علیه السلام) هم می‌فرماید: «الْإِبْقَاءُ عَلَى الْعَمَلِ حَتَّى يَخْلَصَ أَشَدُّ مِنَ الْعَمَلِ - باقی ماندن بر عمل تا خالص شود، سخت‌تر از خود عمل می‌باشد.» (بحار، ج ۶۷/ص ۲۳۰)

امام خمینی قدس سره این روایات را چنین شرح می‌دهد: «انسان از اعمالی که می‌کند، باید مراعات و مواظبت نماید، چه در حین اتیان آن و چه بعد از آن؛ زیرا که گاه شود که انسان در حال اتیان عمل، آن را بی‌عیب و نقص تحویل دهد و خالی از ریا و عجب و غیر آن باشد، ولی بعد از عمل به واسطه ذکر آن به ریا مبتلا شود.» (شرح چهل حدیث، ص ۳۲۹)

و نیز می‌فرماید: «انسان تا آخر عمرش هیچ‌گاه از شرّ شیطان و نفس مأمون نیست. گمان نکند که عملی را که به‌جا آورد برای خدا و رضای مخلوق را در آن داخل نکرد، دیگر از شرّ نفس خبیث در آن محفوظ می‌ماند؛ اگر مواظبت و مراقبت از آن ننماید، ممکن است نفس او را وادار کند به اظهار آن. و گاه شود که اظهار آن را به کنایه و اشاره نماید؛ مثلاً نماز شب خود را بخواهد به چشم مردم

بکشد، با حقه و سالوس از هوای خوب یا بد سحر و مناجات یا اذان مردم ذکری کند، و با مکاید خفیه نفس، عمل خود را ضایع و از درجه اعتبار ساقط کند.

انسان باید مثل طبیب و پرستار مهربان، از حال خود مواظبت نماید و مهار نفس سرکش را از دست ندهد که به مجرد غفلت، مهار را بگسلاند و انسان را به خاک مذلت و هلاکت کشاند و در هر حال، به خدای تعالی پناه برد از شرّ شیطان و نفس اماره؛ «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي - نفس آدمی او را پیوسته به بدی فرمان دهد، مگر آنکه پروردگارم رحم نماید. (یوسف / ۵۳)» (شرح چهل حدیث، ص ۳۳۰)

مرحوم میرزای شیرازی بزرگ در مجلسی حضور داشت که یک پیرمرد روحانی وارد شد. مرحوم میرزا برای او احترام فوق العاده‌ای کرد؛ به‌طوری که حاضرین تعجب کردند و سبب آن را پرسیدند. فرمود: «در این روحانی روحیه عجیبی وجود دارد؛ او هستی خود را در راه اخلاص گذاشت.» پس از آن فرمود: «من و این شخص روحانی هم‌درس و هم‌بحث بودیم. پس از آنکه ایشان به درجه رفیعی از اجتهاد رسید، قصد مهاجرت به شهر خودش را نمود تا در آنجا مرجع و مقتدای مردم باشد و لیکن در بین راه به دهکده‌ای برخورد کرد که اهالی آن «علی‌اللهی» بودند؛ یعنی کسانی که علی‌علیه‌السلام را خدا می‌دانند. این عالم بزرگوار بر خود واجب شرعی دانست که در آنجا بماند تا آن مردم را از آن گمراهی به راه راست هدایت کند. او از ریاست معنوی و ظاهری مرجعیت دست شست و در آن دهکده ماند. در مسجد آنجا اعلام نمود که: مردم! من استاد و معلم شما و بچه‌هایتان هستم و اجرت و مزد هم به اندازه امرار معاش می‌گیرم و به این نحو توانست بسیاری از بچه‌ها را گرد آورد. پس ایشان مشغول تعلیم بچه‌ها به خواندن و نوشتن درس و عقاید خداشناسی و سایر برنامه‌های اسلامی شد و به اندازه‌ای این طرح نتیجه بخش بود که عده زیادی مؤمن شدند و اهالی این آبادی که همه علی‌اللهی بودند، تمامی موحد و مؤمن و خداشناس شدند.»

خداوند در قرآن می‌فرماید: «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا - پس هر که به لقای پروردگارش امید دارد، باید کاری شایسته انجام دهد و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند.» (کهف / ۱۱۰)

امام خمینی قدس سره در تشخیص خودپرستی از خداپرستی می‌فرماید: «چون این سیئه خبیثه (ریا) گاهی چنان مخفی است که انسان خودش بی‌خبر است از آن - در باطن اهل ریا است و گمان می‌کند عملش خالص است - لهذا برای آن علامت ذکر فرموده‌اند که انسان به واسطه آن علامت اطلاع بر سریره خود پیدا کند و در صدد معالجه برآید.» (شرح چهل حدیث، ص ۵۵)

امیر المؤمنین علیه‌السلام نشانه‌های ریاکاران خودپرست را این‌گونه بیان کرده و فرمود: «لِلْمُرَائِي أَرْبَعُ عِلَامَاتٍ: يَكْسَلُ إِذَا كَانَ وَحْدَهُ وَ يَنْشَطُ إِذَا كَانَ فِي النَّاسِ وَ يَزِيدُ فِي الْعَمَلِ إِذَا أَتَتْهُ عَلَيْهِ وَ يَنْقُصُ مِنْهُ إِذَا لَمْ يَتَنَّى عَلَيْهِ؛ ریا کار چهار علامت دارد: اگر تنها باشد، اعمال خود را با کسالت به‌جا می‌آورد و اگر در میان مردم باشد، با نشاط انجام می‌دهد و هر گاه مردم او را مدح و ثنا گویند، بر عملش می‌افزاید و هر گاه ثنا نگویند، از آن می‌کاهد.» (شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۱۸۰)

امام صادق علیه‌السلام است که می‌فرماید: «مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى عَبْدٍ أَجَلَ مِنْ أَنْ لَا يَكُونَ فِي قَلْبِهِ مَعَ اللَّهِ تَعَالَى غَيْرُهُ - خداوند متعال نعمتی بزرگ‌تر از این به بنده‌ای نداده است که در قلبش با خدا، دیگری نباشد.» (تفسیر امام حسن عسکری علیه‌السلام، ص ۳۲۸)

مرحوم سلطان الواعظین شیرازی نقل می‌کند: «زمانی که کتاب مفاتیح الجنان تازه منتشر شده بود، روزی در سرداب سامراء آن را در دست داشتم و مشغول زیارت بودم. دیدم شیخی با قبای کرباس و عمامه کوچک نشسته و مشغول ذکر است. شیخ از من پرسید: این کتاب از کیست؟ گفتم: از محدث قمی، آقای حاج شیخ عباس است و شروع به تعریف وی کردم. شیخ گفت: این قدر هم تعریف ندارد، بی‌خود تعریف می‌کنی! من ناراحت شدم و گفتم: آقا! برخیز و برو! کسی که پهلوی من نشسته بود، دست زد به پهلویم و گفت: مؤدب باش! ایشان خود محدث قمی، آقای حاج شیخ عباس هستند. من فوراً برخاستم با آن مرحوم روبوسی کردم و عذر خواستم و خم شدم که دست ایشان را ببوسم، ولی آن مرحوم نگذاشت و خم شد دست مرا بوسید و گفت: شما سید هستید.» (ستارگان حرم، ج ۴، ص ۱۷۶)

در کتاب شرح چهل حدیث امام خمینی قدس سره چنین آمده است: «خدای تبارک و تعالی به واسطه احاطه قدرتش در جمیع موجودات و بسط سلطنتش در تمام کائنات و احاطه قیومیش به کافه ممکنات، تمام قلوب بندگان در تحت تصرف او و به ید قدرت و در قبضه سلطنت او است و کس دیگر را در قلوب بندگان بدون اذن قیومی و اجازه تکوینی او تصرفی نیست و نخواهد بود. خود صاحبان قلب نیز بی‌اذن و تصرف حق تعالی تصرف در قلوب خود ندارند. پس خدای تبارک و تعالی صاحب قلب و متصرف در او است و شما که یک بنده ضعیف عاجز هستید، نمی‌توانید تصرف در قلوب کنید بی‌تصرف حق؛ بلکه اراده او قاهر است بر اراده شما و همه موجودات؛ پس ریا و سالوس شما اگر برای جلب قلوب عباد است و جانب دلها نگاهداشتن و منزلت و قدر در قلوب پیدا کردن و اشتها به خوبی یافتن است، این از تصرف شما به‌کلی خارج و در تحت تصرف حق است. خداوند قلوب و صاحب دلها به هر کس می‌خواهد، قلوب را متوجه می‌فرماید؛ بلکه ممکن است شما نتیجه به‌عکس بگیرید. دیدیم و شنیدیم اشخاص سالوس دورو که قلوب آنها پاک نبود، آخر کار رسوا شدند و آنچه می‌خواستند نتیجه بگیرند، به‌عکس اتفاق افتاد.» امام خمینی قدس سره در ادامه با دلسوزی تمام توصیه می‌کند: «باید به خدای تعالی از شرّ مکاید نفس پناه ببریم که مکاید آن خیلی دقیق است؛ ولی اجمالاً می‌دانیم که اعمال ما خالص نیست. اگر ما بنده مخلص خداییم، چرا شیطان در ما این قدر تصرف دارد؟ با آنکه او با خدای خود عهد کرده است که به «عباد الله المخلصین» کار نداشته باشد و دست به ساحت قدس آنها دراز نکند. (اشاره است به آیه مبارکه «قَالَ... لَا غَوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ» - ابلیس گفت: خدایا!... همه آنان را گمراه کنم، مگر بندگان خالص تو را. (حجر / ۴۰ - ۴۱)) به قول شیخ بزرگوار ما (مرحوم آیت الله شاه آبادی) - دام ظلّه - شیطان، سگ درگاه خدا است، اگر کسی با خدا آشنا باشد، به او عوعو نکند و او را اذیت نکند. سگ در خانه، آشنایان صاحبخانه را دنبال نکند. شیطان نمی‌گذارد کسی که آشنایی با صاحبخانه ندارد، وارد خانه شود. پس اگر دیدی شیطان با تو سر و کار دارد، بدان کارهایت از روی اخلاص نیست و برای حق تعالی نیست. اگر شما مخلص‌اید، چرا چشمه‌های حکمت از قلب شما به زبان جاری نشده با اینکه چهل «سال» است به خیال خود قربۀ الی الله عمل می‌کنید؟! پس بدان اعمال ما برای خدا نیست و خودمان هم ملتفت نیستیم و درد بی‌درمان همین جا است.» (شرح چهل حدیث، ص ۵۲)

پاسبان حرم دل شده‌ام شب همه شب تا در این پرده جز اندیشه او نگذارم

دوش می‌گفت که حافظ همه روی است و ریا بجز از خاک درش با که بود بازارم

هشدار دیگر امام خمینی این است که: «وای به حال اهل طاعت و عبادت و جمعه و جماعت و علم و دیانت که وقتی چشم بکشایند و سلطان آخرت خیمه بر پا کند، خود را از اهل معاصی کبیره، بلکه از اهل کفر و شرک، بدتر ببینند و نامه اعمالشان سیاه‌تر باشد! کسی که ریاست دینی خود و امامت خود، تدریس خود، تحصیل خود، روزه خود، نماز خود و بالاخره اعمال صالحه خود را ارائه به

مردم دهد برای منزلت در قلوب، مشرک است و به موجب اخبار اهل بیت عصمت - صلوات الله علیهم - و به موجب آیه شریفه مشمول غفران حق نمی‌شود. پس‌ای کاش اهل معاصی کبیره بودی و متجاهر به فسق بودی و متهتک حرمت ظاهره بودی و موحد بودی، شرک به خدا نمی‌آوردی!» (شرح چهل حدیث، ص ۵۳)

شهادت امام سجاد (علیه السلام)

امام سجاد علیه‌السلام پس از شهادت پدر ارجمندش امام حسین علیه‌السلام در محرم سال ۶۱ قمری، در ۲۳ سالگی به مقام امامت نایل آمد و در سخت‌ترین و دشوارترین تاریخ امت اسلام، رهبری شیعیان و محبان اهل بیت علیهم‌السلام را بر عهده گرفت و راه و روش پدران و نیاکان پاک‌نژاد خویش را استمرار بخشید. آن حضرت، در واقعه کربلا حضور فعال داشت و از آغاز مبارزه امام حسین علیه‌السلام بر ضد یزید بن معاویه، در کنار آن حضرت بود و در سفر آن حضرت از مدینه به مکه و از مکه به عراق و سرزمین کربلا، وی را همراهی می‌فرمود. ولیکن در روز عاشورا که تمامی یاران امام حسین علیه‌السلام به اذن آن حضرت و پس از آن، خود امام حسین علیه‌السلام وارد میدان کارزار شده و با دشمنان به نبرد جانانه پرداختند و سرانجام مظلومانه به شهادت رسیدند، امام زین العابدین علیه‌السلام بر اثر بیماری و تب شدید از جنگ با دشمنان بازماند و به اراده الهی از آن واقعه خونین، جان به در برد، تا به عنوان حجت خدا بر روی زمین و امام امت و جانشین پدرش ابا عبدالله الحسین علیه‌السلام، سکان کشتی طوفان‌زده امت را در دست گیرد و آن را هدایت و رهبری فرماید.

آن حضرت، پس از شهادت امام حسین علیه‌السلام و یارانش در کربلا، به همراه بازماندگان قافله حسینی به اسارت دشمن درآمد و در حالی که از بیماری توان‌فرسا، رنج می‌برد، در غل و زنجیر دشمنان قرار گرفت و سختی اسارت اهل بیت علیهم‌السلام از کربلا به کوفه و از کوفه به شام را با صبر و بردباری تحمل کرد و تسلی و تسکینی برای سایر اسیران در بند بود و با خطبه‌های روان و روشنگر خود، دشمنان و جنایت‌کاران را رسوا و حقانیت امام حسین علیه‌السلام را به گوش مسلمانان عالم رسانید و آنان را از خواب غفلت بیدار کرد و تحول عظیمی در جامعه مسلمانان بوجود آورد و دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام را به عقب نشینی از مواضع و دیدگاه‌های شیطانی خود واداشت.

روضة:

پس از شهادت پدر و یاران با وفای او... امام سجاد طفل صغیر می‌دید گریه می‌کرد، آب می‌آوردند وضو بگیرد گریه می‌کرد، اگر اسیری می‌دید احترامش می‌کرد، اگر می‌دید گوسفندی را ذبح میکنند گریه می‌کرد، می‌فرمود: آبش دادید یا نه؟ آری آقا، ما مسلمانی

با گریه می‌فرمود: عده ای هم در کربلا می‌گفتند ما مسلمانی ولی بابای من را لب تشنه کشتند.

روزی که پیکرم را بر روی ناقه بستند در یک لحظه جدایی قلب مرا شکستند

آنجا غریب و تنها بودم میان اعدا دیدم که عمه ام را به تازیانه بستند

من اینچنین جدایی هرگز ندیده بودم هم نعش و هم عزدار هر دو به خون نشستند

ولا حول و لا قوة الا بالله العلی العظيم